

بررسی هنر داستان‌نویسی و توصیفات آن نزد مسلمانان؛ تحلیل سبک داستان‌نویسی سلوی البنا نویسنده فلسطینی با تکیه بر چهار داستان

چکیده

سلوی البنا (۱۹۴۸) نویسنده داستان‌های کوتاه مدرن و اهل فلسطین و پیرو دین اسلام است. وی در چهار داستان خود عشاق نجمه، حذاء صاحب‌السعادة، امرأة خارج الزمن، العامورة عروس اللیل از الگوهای داستان‌نویسان مدرنیسم و نیز رویکردی اسلامی بهره برده است. محدود شدن زاویه دید توسط راویان داستان‌های مدرن، نشان دادن هیجان، حذف یا تغییر عناصری از پیرنگ‌های سنتی، کاربست استعاره و مجاز و روایت نامتوالی رویدادها و شکستن نظم زمانی در بیان آن‌ها، ایجاز در شکل داستان و سبک روایت آن و برجسته‌ساختن سبک از ویژگی‌های چهار داستان مذکور است. در داستان عشاق نجمه و العامورة عروس اللیل از نمادپردازی و صنایع بدیعی و لفظی که مخصوص داستان‌های مدرن است، بیشتر استفاده شده و در داستان‌های امرأة خارج الزمن شکستن توالی زمانی و مکانی و استفاده از ایجاز در مرکز توجه نویسنده بوده است. در داستان حذاء صاحب‌السعادة نیز نویسنده از بیان سرشار از طنز و کنایه جهت بیان آلام اجتماعی و سیاسی مردم فلسطین بهره برد و از آن‌جا که مسلمان بود، توانست توصیفات و مضامینی در آثار مذکور بیاورد که به آن‌ها صبغه اسلامی ببخشد.

سؤالات پژوهش:

۱. نمادپردازی در چهار داستان عشاق نجمه، حذاء صاحب‌السعادة، امرأة خارج الزمن، العامورة عروس اللیل چگونه ارزیابی می‌شود؟
۲. سلوی البنا در داستان‌های مذکور چگونه به بیان دردهای اجتماعی و سیاسی مردم فلسطین پرداخت؟

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی شگردهای ادبی و ساختاری مورد استفاده در در چهار داستان عشاق نجمه، حذاء صاحب‌السعادة، امرأة خارج الزمن، العامورة عروس اللیل.
۲. بررسی چگونگی پرداختن به مسائل اجتماعی و سیاسی فلسطین از زبان یک نویسنده زن.

کلیدواژه‌ها: سلوی البنا، سبک داستان‌نویسی، مسائل سیاسی و اجتماعی، نمادپردازی.

مقدمه

در آن دسته از آثار ادبی که رویکرد اسلامی دارند، مسائلی در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله اینکه دیدگاه اسلامی به انسان شامل مسائلی مثل حقیقت انسان و اصل خلقت او، اختیار و اراده آدمی، توانایی انسان بر تعلیم و تربیت و نیز قدرت بیان او که به موجب این توانمندی‌ها می‌تواند در آفرینش آسمان و زمین و حتی آفرینش خودش به تفکر و تدبیر بپردازد و شاعران و نویسندگان با در نظر گرفتن این مقوله، ساختار و مضامین آثار خود را تنظیم می‌کنند. یکی دیگر از مسائلی که در دیدگاه اسلامی نسبت به انسان مورد توجه قرار می‌گیرد، مسئولیتی است که انسان در قبال اعمال خود برعهده دارد و به موجب آن پاداش یا عقابی متوجه وی می‌شود. این احساس مسئولیت در انسان سبب آگاهی و هوشیاری وی می‌گردد و او را از لغزش‌ها و پیروی از هوای نفس و ارتکاب ظلم دوری می‌کند. ناگفته نماند که دیدگاه اسلامی نسبت به انسان یک وظیفه مهم را برای وی تعریف می‌کند که همان عبادت خالصانه خداوند است. در باب دیدگاه اسلامی نسبت به هستی نیز باید یادآور گفت آنگاه که از دیدگاه دین اسلام به عالم هستی نگریسته شود، مسائل خاصی مدنظر قرار می‌گیرد؛ از جمله اینکه عالم هستی مخلوق خداست و هدف خاصی را دنبال می‌کند. این امر به آدمی القا می‌کند که باید در ورای هر پدیده‌ای در عالم هستی، به دنبال یافتن یک هدف باشد. همچنین طبق دیدگاه مذکور، عالم هستی بر اساس تقدیر الهی جریان دارد و همه پدیده‌ها در آن از یک قانون الهی پیروی می‌کنند و خداوند با تدبیر و حکمت خویش آن را اداره می‌کند و در نهایت هر آنچه در هستی وجود دارد در تسخیر آدمی و برای استفاده او است.

دیدگاه اسلامی نسبت به زندگی نیز قائل به این است که زندگی تنها یک امتحان الهی است و نعمت‌های دنیوی همگی موقت و زودگذر هستند و آدمی نباید آن‌ها را هدف نهایی خود بداند و مغرور شود. بلکه باید همواره به هدفی که او برای آن خلق شده و امتحانی که در ورای خلقت وی نهفته است فکر کند و به یاد داشته باشد که زندگی دنیوی فانی و زودگذر است و زندگی اخروی جاودانه خواهد بود. سلوی البنا داستان‌نویس معاصر و مسلمان فلسطینی است. او در داستان‌هایش «عشاق نجمه»، «حذاء صاحب السعادة»، «العالمورة عروس اللیل»، «امرأة خارج الزمن» دارای سبک مدرن است و از ویژگی‌ها و نظریه‌هایی که در خصوص سبک مدرن وجود دارد در بیان داستان‌هایش بهره برده است. از آنجاکه دین اسلام همواره پیروان خود را به رعایت پاره‌ای اصول اخلاقی و تربیتی هم در گفتار و هم در کردار فرامی‌خواند، این نویسنده فلسطینی نیز با تأثیرپذیری از تعالیم اسلامی توانست آثار خود به‌ویژه چهار اثر مذکور را میدانی برای به نمایش گذاشتن تأثیرپذیری خود از این دین آسمانی قرار دهد تا خوانندگان مسلمان را بیش‌ازپیش به سمت‌وسوی ادبیات جذب کند. شخصیت‌پردازی و مکان و زمان و پی‌رنگ و گفت‌وگو که از عناصر داستان‌نویسی در داستان است در چهار داستان سلوی البنا به شیوه مدرن بیان شده است. اصطلاح «داستان کوتاه غنایی» را نخستین‌بار منتقد و نویسنده آمریکایی کُنراد آیکن در سال ۱۹۲۱ وضع کرد و در نقدی بر یکی از مجموعه داستان‌های کاترین منسفلید، نویسنده مشهور نیوزیلندی، به کار برد. متعاقباً در سال ۱۹۶۹، منتقدی بنام آیلین بالدشویلر در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه‌ای از داستان کوتاه غنایی» این نظریه را شرح و بسط داد. بالدشویلر روایت را به‌طور کلی به دو گروه تقسیم می‌کند: روایت‌های حماسی و روایت‌های غنایی. در نظریه سوزان فرگسن درباره داستان کوتاه مدرن از بسیاری جهات مؤید و مکمل دیدگاه‌هایی است که آیلین بالدشویلر و چارلز می در آثارشان راجع به همین موضوع شرح و بسط داده‌اند. در داستان عشاق نجمه و العالمورة عروس اللیل به شیوه نمادپردازی و در حذاء صاحب السعادة به شیوه طنزپردازی و استعاری و در امرأة خارج الزمن به شیوه شکستن توالی زمانی و مکانی که از شیوه‌های داستان‌های مدرن محسوب

می‌شود، نگاشته شده است. در این پژوهش برآنیم تا بر طبق دیدگاه و نظریه‌های مدرن به بررسی سبک داستان‌نویسی در چهار داستان مذکور از آثار سلوی البنا بپردازیم.

نتیجه‌گیری

سلوی البنا در چهار داستان عشاق النجمه، حذاء صاحب السعادة، امرأة خارج الزمن و العامورة عروس اللیل مانند سایر نویسندگان داستان‌های کوتاه مدرن همان مشخصه‌ها و ویژگی‌های داستان‌های مدرن (اعم از غنایی و امپرسیونیستی) را رعایت نموده است، و حوادث و وقایع این داستان‌ها تابعی از ذهن راوی داستان است، شکستن خط متوالی زمانی در این داستان‌ها «امپرسیونی» از تشویش‌ها و ناآرامی‌های روحی راوی را بیان می‌کند. در داستان عشاق النجمه استفاده از نماد و نمادپردازی، استعاره و مجاز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و همین‌طور در العامورة عروس اللیل، در مجموعه داستان‌های کوتاه حذاء صاحب السعادة استفاده از زبان طنزگونه و استعاری که سرشار از کنایه و تمثیل است استفاده شده است که این ویژگی براساس نظریه سوزان فرگسن از جمله ممیزات داستان‌های مدرن محسوب می‌شود، در داستان امرأة خارج الزمن براساس دیدگاه آیلین بالدشویلر و سایر نظریه‌پردازان داستان‌های کوتاه مدرن شکستن نظم و خطوط زمانی منظم از جمله ویژگی‌های این داستان محسوب می‌شود. ناگفته نماند که این نویسنده مسلمان توانست در بیان مضامین داستان‌های مذکور باتکیه بر تعالیم اسلامی عمل کند؛ به این صورت که کاربرد طنز و کنایه در آثار وی را می‌توان مصداق همان مقوله تقیه کردن که در دین اسلام توصیه شده است، به شمار آورد و همچنین عفت کلام وی و گزینش الفاظ و عبارات مناسب با مقتضای حال خوانندگان دلیل دیگری بر تأثیرپذیری این نویسنده مسلمان از آموزه‌های دین اسلام است. سبک این چهار اثر از داستان‌نویس مشهور فلسطینی سلوی البنا به شیوه داستان‌نویسان امپرسیونیستی است به گونه‌ای که عنصر پی‌رنگ در این داستان‌ها بسیار مقتصدانه طراحی شده است و در این داستان‌ها هر اپیزودی نقش ضروری در فهم معنای داستان ایفا می‌کند که در غیر این صورت از داستان حذف می‌شود. زبان داستان‌ها موجز است و ساختار نثر آن‌ها به شعر نزدیک است، نویسنده داستان برای اینکه از طولانی‌شدن داستان بکاهد از هنر ایجاز و صنایع لفظی و بدیعی که زبان شعر تلویحی است استفاده نموده است.

فهرست منابع

- أحمد، عبد الإله. (۱۹۷۷). الأدب القصصی فی العراق. بغداد: منشورات وزارة الإعلام، دارالحرية للطباعة.
ایرانی، ناصر. (۱۳۸۰). هنر رمان. تهران: نشر آبانگاه.
البنا، سلوی. (۲۰۱۲). امرأة خارج الزمن، بیروت: بی‌نا.
----- (۲۰۱۲). العامورة عروس اللیل. بیروت: بی‌نا.
----- (۲۰۱۰). حذاء صاحب السعادة. بیروت: بی‌نا.
----- (۲۰۱۰). عشاق نجمه. چاپ اول، بیروت: بی‌نا.
کراولی، آنجلا. (۱۳۹۰). فرهنگ آکسفورد المنتری. تهران: نشر دهکده.
اسکولز، رابرت. (۱۳۷۷). عناصر داستان. فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
بیجاری، بیژن. (۱۳۶۹). دستور صحنه در عرصه‌های کسالت. تهران: نشر نیلوفر.

پاینده، حسین. (۱۳۹۵). داستان کوتاه در ایران (داستان‌های مدرن). تهران: نشر نیلوفر.

ترقی، گلی. (۱۳۸۴). درخت گلایی در جایی دیگر. چاپ چهارم، تهران: نشر نیلوفر.

حسن‌الزیات، احمد. (۱۹۹۸). تاریخ الأدب العربی. مصر: دارالنهضة.

رشدی، رشاد. (۱۹۷۵). فن القصه القصیره. چاپ دوم، بیروت: دارالعودة.

نیکنام، لادن. (۱۳۸۶). صندوق بدون کلید. در حفره‌ای در آینه. تهران: نشر ققنوس.

همینگوی، ارنست. (۱۳۶۸). تپه‌هایی مانند فیل‌های سفید در داستان و نقد داستان. جلد اول، گزیده و ترجمه: احمد گلشیری، اصفهان: نشر سپاهان.